

والدین و معلمان تطهیرکنندگان روح و روان کودکان

انسان از همان ابتدای تولد به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه و حتی به صورت غریزی در پی یادگیری بوده است.



انسان از همان ابتدای تولد به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه و حتی به صورت غریزی در پی یادگیری بوده است.

او از دوره کودکی تا زمانی که به بزرگسالی می رسد نیازمند آموزش بوده و پرواضح است که بهترین و برترین نوع آموزش برای آدمی چه در دوره کودکی و چه در دوره نوجوانی آموزش های دینی است. زیرا از همان سال های اولیه زندگی انسان روی کره زمین و از همان زمانی که میل به پرستش خداوند در باطن انسان نهاده شد، سوالاتی برای آدمی به وجود آمد. سوالاتی از قبیل این که به وجود آورنده من چه کسی است؟ چگونه به وجود آمده ام؟ به چه دلیل به وجود آمده ام؟ این مسائل از همان دوران نخستینی که انسان پا به عرصه وجود نهاد، آغاز شد و هنوز هم بخش مهمی از پرسش های اوست. این پرسش ها کودک و نوجوان را بر آن می دارد که در پی یافتن پاسخی برای سوالات دیگری از جمله سوالات دینی باشند؛ سوالاتی که والدین، مدرسه و جامعه می توانند پاسخگوی آنها باشند. از این رو آموزش مسائل دینی به کودکان و نوجوانان از جمله مسائلی است که دین اسلام بسیار به آن توجه داشته است. آموزش های دینی از مهم ترین مسائلی است که در یک جامعه اسلامی هر مسلمانی باید به آن توجهی خاص داشته باشد و به فرزندان خود نیز آموزش دهد. به همین دلیل است که آموزش، یادگیری و کسب علم نزد پیامبر بسیار ارزشمند بوده است و ایشان در این باره فرموده اند: «به تحصیل علم بپردازید حتی اگر در چین باشد.»

1 - خانواده، نخستین مکان آموزش به کودکان و نوجوانان

محیط خانواده نخستین مکان آموزش به کودک و نوجوان است و پدر و مادر نخستین اشخاصی هستند که به او تعلیم می دهند. در ابتدا پدر و مادر باید به اعمال دینی اشراف کامل داشته باشند تا بتوانند به کودک خود آموزش درست بدهند و از طرفی باید قلبا به دین و آموزه های دینی اعتقاد داشته باشند. امام صادق تربیت صحیح کودکان را این گونه تشریح می کنند: «کودک به مدت هفت سال باید بازی کند و به مدت هفت سال باید آموزش خواندن ببیند و به مدت هفت سال باید تعلیم حلال و حرام داده شود.» پرسش های کودک در هفت سال اول و دوم به دلیل کنجکاوی ذاتی او بیشتر حول محور هستی، خداوند، چگونگی به وجود آمدن دنیا و انسان، دلیل و چگونه عبادت کردن می چرخد. والدین علاوه بر یافتن پاسخی مناسب برای این سوالات باید به کودک آموزش های دینی نیز بدهند.

بهترین روش برای آموزش دادن به کودکان در این سن استفاده از بازی با کودکان است. به این دلیل که در این سن کودکان عاشق بازی کردن هستند و بازی برای آنها نوعی کار روزانه بزرگ ترها محسوب می شود. والدین می توانند با بازی کردن با کودکانشان به معرفی خداوند و پیامبران و چگونگی به وجود آمدن انسان بپردازند. به عنوان مثال والدین می توانند بازی یاد دادن نماز به کودک را انتخاب کنند. در این بازی قرار است مادری نماز صبح را به کودکش یاد دهد. پس مادر نماز را کلمه به کلمه برای کودک می خواند و کودک کلمه به کلمه آن را تکرار می کند. هنگامی که کودک از این بازی خوشش بیاید، این بازی را تکرار می کند و ناخودآگاه با یکی از آموزه های دینی آشنا می شود. کودک طی مراحل تکامل کم کم به سن نوجوانی می رسد و به نوع دیگری از آموزش نیازمند است. در مورد نوجوانان موضوع آموزش به شیوه دیگری اجرا می شود. اولین موضوعی که درباره یک نوجوان باید رعایت شود احترام به شخصیت اوست. موضوع دیگر در مورد یک نوجوان آن است که نباید واجبات دینی را بکرات به او گوشزد کنیم یا به اجبار از او بخواهیم اعمال دینی اش را انجام دهد. بلکه باید در ابتدا او را به مسائل دینی علاقه مند کنیم. به عنوان مثال نباید نوجوان را تحت فشار قرار دهیم و به طور مداوم از او بپرسیم آیا نماز را خوانده ای؟ بلکه باید از محسنات نماز بموقع و از احادیث و آیاتی که در مورد نماز سفارش کرده اند سخن بگوییم. مثلا به این آیه قرآن اشاره کنیم که: «آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید.» (سوره 29، آیه 45) از این رو شاهد خواهیم بود که پس از مدت زمانی او خود با میل و رغبت به انجام اعمال دینی می پردازد.

2 - جامعه و مدرسه، دومین مکان آموزش به کودکان و نوجوانان

در این مرحله کودک وارد محیط بزرگ تری به نام مدرسه و پس از آن جامعه می شود. در این مرحله است که معلم نقش مهمی را در آموزش دینی کودک ایفا می کند. این معلم باید شخصی با بصیرت و عالمی با علمی وافر باشد و درباره مسائل دینی و دنیایی اطلاعاتی کافی و درست داشته باشد. همچنین آموزگار باید فردی باشد که مورد قبول و محبت کودک یا نوجوان باشد. چنین معلمی باید با نرمخویی، صبر، حوصله و با توجه به تفاوت های فردی کودک یا نوجوان به آموزش او بپردازد. از بهترین روش هایی که یک آموزگار آگاه برای آموزش به کودک و نوجوان می تواند انتخاب کند، استفاده از داستان و شعر، مثل و نمایش است. به عنوان مثال می تواند از داستان زندگی پیامبران و ائمه آغاز نماید و مثلا داستان زندگی حضرت ایوب را انتخاب کند و به وسیله آن صبر را آموزش دهد. همچنین می تواند نمایشی از زندگی ائمه تشکیل داده و هر یک از کودکان و نوجوانان را در این نمایش شرکت دهد. او با این کار نه تنها صبر را که توکل، راستگویی، عدالت و شهادت را نیز به کودک و نوجوان آموزش می دهد و سبب شکوفایی استعدادهای آنها می شود.

نتیجه

آدمی از همان ابتدای خلق شدنش نیازمند آموزش، بخصوص آموزش های دینی است. آموزش های دینی سبب رستگاری کودکان و نوجوانان می شود و آنها را به راه راست هدایت می کند. در اثر آموزش های دینی است که اعمالی مثل صبر، توکل، نماز و هزاران عمل شایسته دیگر باعث می شود انسان ها از هر گونه خطا و اشتباه بر حذر باشند. این آموزش ها باید به شیوه ای درست و به وسیله افرادی آگاه و دانا آموزش داده شوند تا جامعه ای به دور از هر گونه فساد اخلاقی و به معنای واقعی کلمه مسلمان داشته باشیم. چنین جامعه ای محقق نمی گردد مگر با آموزش های دینی به کودکان و نوجوانان که پایه های یک جامعه را می سازند.

زهرا شهرام بخت / جام جم